

فصل‌نامه علمی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)

دوره ۱۴، شماره ۵۱، بهار ۱۴۰۱، صص ۳۷۲-۴۰۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۴

(مقاله پژوهشی)

DOI: [10.30495/dk.2021.1929786.2258](https://doi.org/10.30495/dk.2021.1929786.2258)

بررسی سبک‌شناسانه رساله کمال اظهري شیرازی

فربیا چینی^۱، دکتر فاطمه سادات طاهری^۲، دکتر عبدالرضا مدرس‌زاده^۳

چکیده

مقاله حاضر سبک اشعار بوداق اظهري شیرازی (ت. ۹۹۱)، شاعر گمنام عهد صفوی را بررسی می‌کند. دیوان اشعار اظهري که آن را رساله کمال نامیده است، بیش از ده هزار بیت دارد؛ ولی هنوز به چاپ نرسیده است. دانسته‌های ما درباره شاعر به آنچه از اشعار او به دست می‌آید، محدود می‌شود و حتی در تذکره‌ها هم نامی از او نیامده است. نگارنده با رویکرد توصیفی-تحلیلی با پاسخ به این پرسش‌ها که اظهري در اشعار خویش از چه سبکی پیروی می‌کند و اشعار او در سه سطح زبانی، ادبی و فکری چه ویژگی‌هایی دارند؟ می‌کوشد استدلال کند شاعر از نظر ویژگی‌های زبانی به شعر سبک خراسانی گرایش داشته و جنبه‌های ادبی اشعار او، ویژگی‌های شعری سبک عراقی را فریاد می‌آورد. اظهري به شعر خاقانی و انوری توجه خاصی داشته و بارها نیز به این موضوع اشاره کرده است. از مضامین اصلی رساله کمال اظهري می‌توان به مدح و منقبت، عشق مجازی و گاه عشق وقوعی و واسوختی، توصیف معشوق، هجو، هزل و ساقی‌نامه اشاره کرد. کاربرد واژه‌های کهن، کاربرد شکل کهن واژه‌ها و لغات و ترکیبات عربی، ترکیب‌سازی، قواعد دستوری کهن، به‌کارگیری تشبیه‌های مرکب، تفضیل و مضمهر، استعاره‌های مکنیه و بیشتر از نوع شخصیت‌بخشی، تصویرآفرینی، تلمیح، اضافه‌های تلمیحی و اساطیری، حُسن تعلیل، تضاد، تناسب و تکرار از ویژگی‌های چشمگیر سبکی اوست که نگارنده را که دیوان اشعار اظهري را تصحیح کرده است، برآن می‌دارد تا برای اولین بار در این مقاله، ویژگی‌های سبک‌شناسی شعر او را تبیین و به شناخت جایگاه او در شعر فارسی کمک کند.

واژه‌های کلیدی: ویژگی‌های زبانی، ادبی و فکری، اظهري شیرازی، رساله کمال.

^۱ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران.

Walru-s@yahoo.com

^۲ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران. (نویسنده مسؤل)

taheri@kashanu.ac.ir

^۳ دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران.

drmodareszade@yahoo.com



مقدمه

عباس میرزا معروف به شاه‌عباس کبیر (۹۹۹-۱۰۳۷ ه.ق.) پادشاه ایران در طی حکومت چهل و دو ساله خود به دنبال ترویج و گسترش دین اسلام با محوریت مذهب تشیع، جذب علمای شیعه و ارزش‌نهادن به آنها، آبادانی و تا حدودی فراهم نمودن آسایش عمومی است. جانشینان او شاه‌صفی (۱۰۳۸-۱۰۵۲ ه.ق.) و شاه‌عباس ثانی (۱۰۵۲-۱۰۷۷ ه.ق.) راه او را به همان شیوه ادامه می‌دهند. شاهان صفوی در عین توجه به دین و علوم دینی از ادبیات و به‌ویژه شعر غافل نبودند؛ به‌گونه‌ای که در تحفه سامی نام ۷۰۰ شاعر و در تذکره نصرآبادی نام هزار شاعر این دوره ذکر شده که بسیاری از موارد غیرتکراری است؛ در حالی که حتی نام بسیاری از شاعران این دوره از جمله اظهري شیرازی نیز در این کتاب‌ها نیامده است.

بوداق اظهري شیرازی از شاعران گمنام قرن یازدهم است. از اشعار اظهري نسخه‌ای منحصربه‌فرد در کتابخانه مدرسه سپهسالار باقی‌مانده که هنوز به چاپ نرسیده است. اظهري مثل دیگر معاصران خود از شاعران پیش از خود پیروی کرده؛ اما شعر وی برجستگی‌های خاصی دارد. کهنگی زبان، استفاده از واژگان زبان‌های غیرفارسی، ترکیب‌سازی به همراه پیروی از قوانین نحوی پیشینیان و به کارگیری آرایه‌های بدیع لفظی و معنوی و فنون بیان، استفاده از اوزان عروضی مناسب، به کارگیری قافیه‌های هنری و گاه خلاقانه و به‌ویژه ردیف‌های متنوع و زیبا از ویژگی‌های شعر رساله کمال اظهري است که نشان می‌دهد اشعار وی باید از نظر مضمون و محتوا از یک‌سو و از جنبه ویژگی‌های زبانی، دستوری و بلاغی به دقت مطالعه و بررسی شود؛ از این‌رو نگارندگان کوشیدند تا با بررسی و تحلیل سبک‌شناسانه اشعار وی در سطوح زبانی، ادبی و فکری به شناخت بهتر شعر وی کمک کنند؛ پس برای اولین بار با رویکردی توصیفی-تحلیلی مبتنی بر متن اشعار اظهري و پاسخگویی به این پرسش‌ها که کدام ویژگی‌های زبانی در شعر اظهري بارزتر است؟ شعر اظهري از نظر جنبه‌های سه‌گانه موسیقایی بیرونی، کناری و درونی چگونه است؟ کدام آرایه‌های ادبی در شعر او نمود بیشتری دارد؟ پس‌زمینه‌های فکری شعر وی چیست؟ کوشیده‌اند با مشخص کردن ویژگی‌های شاخص زبانی، ادبی و فکری اظهري به شناخت سبک شعر شاعر و جایگاه وی در بین شاعران فارسی‌سرای عصر صفوی کمک کنند.

پیشینه تحقیق

از آنجاکه نسخه رساله کمال اظهري هنوز به چاپ نرسیده؛ به جز مقاله «معرفی رساله کمال اظهري شیرازی به همراه تحلیل محتوایی و ساختاری آن» از نویسندگان همین مقاله که در شماره ۵۰ مجله متن‌شناسی ادبی (۱۳۹۹/۱۱/۲۵) چاپ شده است، تاکنون پژوهشی در قالب مقاله، کتاب یا پایان‌نامه درباره آن انجام نشده که نشانه اصالت تحقیق است.

روش تحقیق

این پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی و با استفاده از اسناد کتابخانه‌ای مبتنی بر اشعار رساله کمال اظهري شیرازی انجام خواهد شد.

مبانی تحقیق

اظهري و رساله کمال

بوداق اظهري شیرازی از شاعران ناشناخته دوران صفوی است که تنها در الذریعه چند سطر درباره او آمده (رک: آقابرگ تهرانی، ج ۹، ۱۴۰۳: ۸۰) و اطلاعاتی از او در دست نیست و دانسته‌های ما درباره وی به آنچه از اشعار وی استنباط می‌شود، محدود می‌شود. با اینکه اطلاعات دقیقی درباره تاریخ تولد و وفات اظهري در دست نیست، بر اساس اشعارش در سال ۹۹۱ ه.ق متولد شده است. اظهارات شاعر در پایان دیوان خود مبنی بر اتمام دیوان در «زکم^۱ قراباغ» در سال ۱۰۵۴ ه.ق. است: «به تاریخ هفدهم شهر ربیع‌الاول سنه بیچی نیل^۲ ۱۰۵۴ قلمی شد» (اظهري، بی تا: ۳۳۷ ب) و اشاره وی به ۶۳ سالگی خود در ادامه این مطلب: «الحمدلله که درس شصت و سه سالگی به هواداری عینک ... به ترتیب و تحریر این نسخه مبادرت نمود» (اظهري: ۳۳۶ آ). مؤید این موضوع است. نام شعری این شاعر همان «اظهري» است که شاعر در پایان قصاید و غزلیات و بعضی اشعار دیگر خود آورده و غزلی هم با ردیف اظهري سروده است.

بنابر گفته اظهري خاندانش از نسل خاندان زنگی شیراز هستند. پدر شاعر «مقصودبیک» نام داشته که به گفته شاعر در نویسندگی عطار دفعل و در شجاعت بهرام‌گونه بوده (رک: قصیده ۷۲/ ۲۰-۲۳). اظهري دو فرزند خود و شش نفر از دیگر اعضای خانواده خویش را در اثر بیماری و با از دست داده است. بنابر اشعار شاعر، وی از درباریان دربار صفوی بوده و بدین سبب از رفاه هم برخوردار بوده است. وی از وزیر روزگار خود لقب «مولانا» گرفته و گویا مدتی هم والی

قلعه بست^۳ بوده که این شغل گرفتاری‌های بسیاری را هم برای اظهري ایجاد کرده؛ مدتی هم مباشر امور صفویان بوده است. شواهد موجود در اشعار اظهري نشان می‌دهد که وی در لشکرکشی‌های صفویان به گرجستان رفته و مدتی «نامعلوم» در قراباغ زندگی کرده که این موضوع می‌تواند در گمنامی شاعر نیز مؤثر باشد و در دیوان اشعارش - که همانجا پایان یافته - بارها آرزوی بازگشت به زادگاهش، شیراز را مطرح کرده است.

بنابر قطعه ۱۶۰ شاعر، اظهري از معاصران حکیم «شفائی اصفهانی» (۹۹۶-۱۰۳۸) و «محمد رضا فکری اصفهانی» (ت. ۱۰۲۰) بوده و بر طبق قطعه ۴۱ شاعر، معاصر «طالب اصفهانی» (م. ۱۰۳۰ ق.) و بر اساس قطعات ۱۱۵ و ۱۱۷ او، با «مقیم جعفری شیرازی» شاعر قرن دهم و یازدهم معاصر است (رک: نصرآبادی، ۱۳۷۸: ۲۶۶).

اظهري از جوانی شاعری خود را آغاز کرده؛ بنابر سخن خود شاعر در دیباچه آغازین دیوانش، کتابت دیوان وی از سال ۱۰۳۰ شروع شده و ۱۰۵۹ (رک: قطعه ۶۳ و قصیده ۷۸) به پایان رسیده، وجود ماده تاریخ‌هایی با تاریخ‌های ۱۰۱۲ (قطعه ۶۲) و ۱۰۲۲ (قطعه ۴۸) و ۱۰۲۸ (قطعه ۷۶) نشان‌دهنده این است که قبل از کتابت دیوان، شعر می‌سروده است.

از دیوان اشعار اظهري، نسخه‌ای منحصربه‌فرد در کتابخانه مدرسه سپهسالار باقی مانده که هنوز به چاپ نرسیده است. رساله کمال اظهري ۱۰۳۸۵ بیت در قالب‌های قصیده، غزل، قطعه، مثنوی و رباعی درباره مضامین متنوع رایج در روزگار شاعر را در بردارد. اظهري مثل دیگر هم‌عصران خود از شیوه قدما پیروی کرده؛ اما ویژگی‌هایی را هم در شعر خود به کار گرفته که مختص خود اوست. زبان خاص شاعر با لغات و ترکیبات کهن با بسامد بسیار و در موارد معتناهی لغات عربی و ترکی و مغولی و همچنین واژه‌ها و ترکیبات نوی که آفریده به همراه قواعد دستور زبان کهن و آرایه‌های مختلف لفظی و معنوی به‌ویژه تشبیه و استعاره در کنار اوزان عروضی مطبوع، قافیه‌های هنری و به‌خصوص ردیف‌های متعدد و گاه بدیع وی موجب شده که شعر وی از نظر زبانی و دستوری و همچنین موسیقی بیرونی، کناری و درونی برجستگی‌هایی داشته باشد که بین هم‌عصران خود از جایگاهی متمایز برخوردار باشد.

سبک‌شناسی

واژه «سبک» مصدر ثلاثی مجرد عربی است و به معنی گذاختن و ریختن و قالب‌گیری کردن است، در الشعر و الشعرای ابن قتیبه (م. ۲۷۰) این واژه به معنای «شیوه» و «روش» به کار رفته

است. (ر.ک: محبوب، ۱۳۷۵: ۳) هر اثر مکتوبی در هر سطح نوشتاری که باشد، دارای سبک است (ر.ک: شفیع کدکنی، ۱۳۷۱: ۳۸)؛ البته در میان انواع ویژگی‌هایی که در یک اثر دیده می‌شود؛ فقط برخی از آنها در پدیدآوردن سبک دخالت دارند که به آنها ویژگی «سبک‌ساز» یا «سبکی» می‌گویند این مختصات ممکن است زبانی، ادبی یا فکری باشند (ر.ک: غلامرضایی، ۱۳۸۷: ۲۰۶). در سطح واژگانی یک اثر به ویژگی‌های واژه، الگوی ترکیبی، نو و کهنگی واژه و ویژگی‌های نحوی نظم و آرایش کلمات، نوع جملات و چگونگی کاربرد ضمائر و... در حوزه فنون شعری، انتخاب وزن، کلمات قافیه و ردیف و نوع آن، قالب‌های شعری و تناسب آنها با محتوا و در عرصه بلاغی، صنایع ادبی و تصاویر شعری پربسامد و درجبه فکری دنیای شاعر و دامنه وسعت دید و جهان‌بینی او باید در نظر گرفته شود. (ر.ک: یزدان‌پناه و نیری، ۱۳۹۹: ۱۸) به دلیل اینکه سبک همان «انحراف نرم» یا انحراف از معیار است؛ پس فقط از طریق مقایسه با آثار دیگر می‌توان سبک یک اثر را مشخص کرد (ر.ک: شفیع کدکنی، ۱۳۷۱: ۳۸)؛ از این‌رو برای شناخت دقایق و ظرایف شعری اظهاری و انعکاس هنرمندی وی لازم است سبک شعری او مطالعه و بررسی شود تا با روشن‌شدن لایه‌های درونی و بیرونی شعر شاعر برجستگی‌های شعری وی بهتر تبیین شود.

بحث

الف. ویژگی‌های زبانی

از آنجاکه مخاطب برای برقراری ارتباط با یک اثر قبل از هرچیز با زبان آن اثر برخورد می‌کند و از طریق زبان به‌کارگرفته‌شده در آن می‌تواند به اندیشه‌ها، عقاید و عواطف صاحب آن اثر پی‌برد، پس زبانی که شاعر یا نویسنده به‌کار می‌گیرد از نظر واژه‌های به‌کاررفته در آن، تلفظ و قواعد دستوری مبتنی بر آنها در درک اثر و انتقال پیام گوینده به مخاطب اهمیت بسیاری دارد؛ از این‌رو برای مطالعه دقیق زبان یک اثر ادبی، دستگاه زبانی آن را به سه سطح کوچکتر آوایی (Phonological)، لغوی (Lexical) و نحوی (Syntactical) تقسیم می‌کنند (ر.ک: شمیسا، ۱۳۷۲: ۲۱۶).

سطح آوایی

منظور از سطح آوایی، بررسی تلفظ کلماتی است که شاعر در شعر خویش به‌کاربرده، این تلفظ‌های متفاوت گاه به‌سبب تلفظ کهن واژه‌ها مثلاً در قاعده ابدال است:

گهی که شعله رمحت در التهاب آید به طارم فلک اجرام را کند چو زغال

(قصیده ۲۴/۱۷)

در بیشتر موارد این تغییر تلفظ‌ها از گونه اختیارات زبانی است که به هدف سهولت در حفظ وزن عروضی شعر خویش است. قواعدی مانند افزایش: «گه شناه شو آگه که می‌توان دانست» (غزل ۳/۹)؛ تشدید مخفف: «ز لعل توست شگرخنده حور» (غزل ۶/۳۵۱)؛ تخفیف مشدد: «به زائران حریم و به هر حج اکبر» (قصیده ۴۲/۵۰)؛ اسکان متحرک: «ز بهر خلعت خونینش از روح شهیدانم» (غزل ۳/۲۶۵)؛ متحرک تلفظ کردن ساکن: «آب خضیر و دم مسیحت» (قصیده ۵/۱۲) و تخفیف کلمات: «گذار چون قفس در چنگل باز» (غزل ۳/۵۳۴) از جمله مواردی است که شاعر به این هدف به کار گرفته است.

سطح لغوی

در سطح لغوی، اظهري شکل قدیم کلمات، کلمات کهن فارسی، عربی، ترکی - مغولی، معرب و کلمات عامیانه را به کار گرفته است:

الف. کلمات کهن

به‌کارگیری واژه‌های کهن یا باستانگرایی در شعر اظهري بسامد بالایی دارد که این ویژگی به طور خاص در قصاید وی که در منقبت و مدح سروده شده‌اند، برجستگی خاصی دارد. این موضوع افزون بر آشکارکردن دانش لغوی اظهري و گستردگی دامنه لغات او نتیجه پیروی اظهري از شاعران کهن به‌ویژه خاقانی و انوری است که خود به این موضوع بارها اشاره کرده است که در ذیل به تعدادی از آنها اشاره می‌شود:

لاس: ابریشم پاک‌نکرده (قصیده ۲/۴)؛ پرویزن (قصیده ۵/۴۵)؛ خدیو: پادشاه (قصیده ۳۳/۲)؛ قربان: تیردان (قصیده ۳۹/۷)؛ نخلبند (غزل ۳/۵۴۵)؛ کاواک (قطعه ۱/۳۵)؛ کفیده: شکافته (قصیده ۳۸/۲۱)؛ پرن: پروین (قصیده ۱۳/۵۲)؛ همچنین جوهری: جواهرفروش؛ هرزه‌درای؛ کجک: تیر دوشاخ؛ کهنه: کمترین؛ نیز انویدن، اخککندو، غاریقون، اورنیدن، افرنیدن، الفنجیدن؛ اورنگ، پویه، مویه، فروهشته، موزه (کفش)، ستان (به پشت خوابیده)، ابرش، شوخ (گستاخ) و... در این میان اظهري بعضی از واژه‌های کهن را در موارد متعدد به‌کار برده است:

پرکش

گرچه کمان ابروی ماه‌وشان پرکش است نیست بجز غمزات ناوک دلدوز من

(غزل ۴/۵۲۳)

زورین کش

مردم چشم تو آن زورین کش ابرو کمان
از قوی شستی خدنگ غمزه را پیکان نکرد
(غزل ۳/۲۲۳)

پرگاله

در طرف گلستان بر طرف شاخ گل
از گلبن مژگانم پرگاله زده پهلو
(غزل ۴/۵۳۳۳)

همچنین ترکش (رباعی ۲/۲۰۱)؛ زورین (قصیده ۱۲/۳۳)؛ زورین کمان (غزل ۶/۳۷۷)؛ خانه
زین (غزل ۵/۱۶۵)؛ کمینه (غزل ۱/۷۹) و ...

ب. کاربرد کلمات در معنای کهن

اظه‌ری بعضی واژه‌ها را که در گذشت روزگار تغییر معنا داده‌اند، در معانی قدیم خود به کار
می‌برد:

عرش برین به گرد رخت کرده افتخار
چرخ نهم به خاک درت دارد اشتباه
(قصیده ۲۶/۱۱)؛ شباهت

همچنین کاوش: شکافتن (غزل ۷/۴۸۰)؛ تماشایی: تماشاگر (قصیده ۵/۲۴)؛ صورت: تصویر
(قصیده ۲۲/۳۷)؛ رفتار: رفتن (قصیده ۲/۴۷)؛ ره: دفعه (غزل ۲/۴۵۹)؛ شاید: شایسته است
(قصیده ۷۵/۵۰) و ...

ج. کلمات غیرفارسی

واژگان غیرفارسی در شعر اظه‌ری فراوانی بسیاری دارند که در این میان کاربرد واژگان عربی
و معرب بیشترین بسامد را دارند؛ از آن جمله است: تبجیل: بزرگداشت (قصیده ۱۱/۳)؛ باس
(قصیده ۱۹/۲۵ و ...)؛ مهابت (قصیده ۱۷/۲۵)؛ جدول: جوی (قصیده ۱/۸۲)؛ ذقن: چانه
(غزل ۵/۱۵۶)؛ صقیل (براق)، دهن (روغن) و ...؛ همچنین واژه‌های معرب مانند یلمق: قبا
(قصیده ۳۷/۲۱)؛ جوسق: قصر (قصیده ۲۵/۳)؛ زیبق معرب جیوه، سرمق معرب سرمه
(قصیده ۲۴ و ۲۳/۳)؛ قیفال: رگی در بازو (قصیده ۳۵/۱۷) در شعر اظه‌ری بسامد بالایی دارند.
بسامد واژه‌های ترکی نیز در شعر اظه‌ری قابل توجه است: یتاق: پاس داشتن (قصیده ۱۸/۲۵)؛
طغرل: مرغ شکاری (قصیده ۱۵/۹)؛ گزلك (قصیده ۳۴/۲۸)؛ یزک (رباعی ۱/۲۲۱)؛ آل: سرخ (قصیده

(۲۲/۴۲)؛ خاقان (قصیده ۲۱/۷)؛ یغما (قصیده ۲۱/۲)؛ بیرق (قصیده ۱/۲۱)؛ وثاق (قصیده ۱۰/۵۲)؛ منجوق (قصیده ۴۰/۶۲)؛ افشار (قطعه ۱/۶۳) و ... ایلغار: هجوم (قصیده ۲/۴۷)؛ قیتول: اردو (قصیده ۲۷/۴۴) و ... نیز از واژه‌های ترکی - مغولی شعر اظهري هستند.

۳۹۹

د. عبارات عامیانه

اظهري نیز همچون دیگر همعصران خود به فراوانی از واژه‌ها و عبارات عامیانه استفاده کرده است:

که مرا گرم نگردهد مژه در صحبت گل چون برد چشم تو را خواب شب فرقت یار
(قصیده ۱۷/۲۸)
همچنین ناف بر زمین گذاشتن (قصیده ۵۲/۱۸)؛ شنفتم (غزل ۳/۴۴۵)؛ ریزه‌ریزه (قصیده ۲۱/۸۰) و ...

ه. ترکیبات زیبا

اظهري نیز چون دیگر شاعران سبک هندی از ساختن تعابیر نو و دست اول و به اصطلاح، ترکیب‌سازی برای تازگی سخن خود می‌کوشد (ر.ک: خجسته و کرمی، ۱۳۹۹: ۲۳۲)؛ از این جمله است:

دام خبر بزم تو تناکورا معشوقه ناررو دخان‌گیسو را
(رباعی ۱/۲۱۷)
همچنین شست ناز (غزل ۱/۳۶۳)؛ قوی‌شستی دل (قطعه ۲۰۵: ۱۵)؛ خلدرخ (غزل ۷/۲۹۶)؛ عنان‌ریز (غزل ۵/۳۶۲)؛ پایه‌ناشناس (غزل ۵/۳۷۴)؛ عشق‌پیشه حریف (قصیده ۴۱/۸۰)؛ جهان‌سیر (غزل ۶/۳۹۲)؛ بهار مجمره‌ساز (قصیده ۵/۸۳)؛ روشکفته (قصیده ۴۵/۸۰)؛ ناز پُرطرز (غزل ۲۰۸/۱)؛ مژگان شب‌پیموده (غزل ۱/۱۴)؛ همچنین است: غربال آتش‌بیز، فرهاد سنگفرسا، گُحل محبت، نقد عمر، جام استغفار، هماوج، نکته‌پرست (شاعر)، یوسف معنی، مصر نظم، افعی رمح، غمزه خم‌دیده، زلف ز هم پاشیده، کشتنی مسلخ عشق، تازه‌مشام، آغوشیان غربت، جان تُتک‌حوصله، سوار فتنه‌آرا، مرغ نوگرفتار، خمخانه سینه، جان‌سوخته نوبر، دل طفل‌نهاد، بیستون دل، خال‌خانه‌زاد، زلف سنبل‌شکن، سیمرغ وصال و ...

ویژگی‌های دستوری

شعر اظهري از نظر ویژگی‌های دستوری برجستگی‌های خاصی دارد که در اینجا به مواردی از

آن اشاره می‌شود:

اظه‌ری در موارد بسیاری **فعل امر** را در اشعار خویش به شیوه کهن به کار برده؛ چنانکه گاه فعل امر را بدون پیشوند «ب» و گاهی به صورت فعل امر مستمر به کار برده است؛ از قبیل: «به جلوه آ و به زیر پا انداز» (غزل ۲۹/۳۵۵)؛ «چنین روزگار خوش می‌دار» (قصیده ۱۱/۸۳)؛ «به خدنگ غمزه می‌کش» (غزل ۷/۴۳۰).

همچنین اظه‌ری بارها از اشکال کهن **ماضی استمراری** استفاده کرده است: کاربرد همی‌جست و نمودی به جای می‌جست و می‌نمود. از حرف «م» به عنوان پیشوند فعل **نهی** استفاده کرده: مسوز به جای نسوز؛ **مضارع ساده** را به جای **مضارع اخباری و التزامی** به کار برده: «جان خلق بر هم کوبد»: می‌کوبد و «گر گرد شوم»: بشوم؛ همچنین خواهم: می‌خواهم (قصیده ۶/۱۶)؛ سوزد: می‌سوزد (غزل ۴/۱۷۳)؛ دهی (قطعه ۳/۱۷۳)؛ نیاری: نمی‌آوری (رباعی ۲/۷۹) و... . **مضارع اخباری** را به جای **التزامی** به کار می‌برد: «ز زلفت می‌شوم گر لحظه‌ای دور» (غزل ۴/۳۵۱)؛ از پیشوند «همی» برای ساختن **مضارع اخباری** استفاده می‌کند: «زان صوت کند نوحه همی بخت دژم را» (قصیده ۱۱/۵۵)؛ فعل پیشوندی را به جای ساده به کار می‌برد: «ز شادی همچو طوطی صد لباس جلوه درپوشم» (غزل ۳/۴۳۸)؛ بین اجزای فعل مرکب فاصله می‌اندازد: «سر اظه‌ری زند ز تو بی اختیار شرط» (غزل ۷/۳۹۷) و «که گاه مرگ رُو از یاد کویش بر قفا کردم» (غزل ۷/۴۴۸)؛ **شکل کهن افعال** را به کار می‌گیرد: «کسی که قوت بازو ستاند از ایزد» و «به دلبری که نسوده است دامنی بر غیر» (قصیده ۳۶/۸۰) و افعال کهن را به فراوانی استفاده می‌کند؛ از جمله: نمی‌یارم (غزل ۴/۳۶۱)؛ تن میزنم (قصیده ۳۳/۳)؛ غنود (قصیده ۴۴/۱۳) و... همچنین:

خستی به نوک هر مژه صد پاره جگر
گوهر بدین نکویی سفتن نمی‌توان

(غزل ۶/۵۱۱)

بعد از افعال از «ی» **تمنی** استفاده می‌کند:

تیغ قتلم از خم ابرو نمودی کاشکی
قاتلم آن هندوی چالاک بودی کاشکی

(غزل ۱/۵۹۴)

اظه‌ری در مواردی هم به جای مصدر از مصدر مرخم استفاده می‌کند:

گفتم ای رشک چمن گشت گلستان بس نیست
گل چو گردید مکرر بدهد جلوه خار

(قصیده ۷۷/۲۸)

همچنین است گشتِ باغ (غزل ۲/۲۱۸)؛ افشانِ دامن (غزل ۲/۴۵۵).

گاهی فعل لازم را در معنی متعدی به کار می‌برد:

پای ناز تو نخارید به جز دست نسیم شاخ زلف تو نیفشاند مگر باد بهار

(قصیده ۲۶/۲۸)

صفت فاعلی و مفعولی مرکب مرخم را بسیار به کار می‌برد: عالم‌فریب، بزم‌آرا، گهرریز،

روان‌سوز، عشوه‌پیما؛ همچنین شکراندود، پای‌انداز، پابست و ...

اظهري چون شاعران سبک خراسانی در موارد بسیاری، ضمیر «او» را برای غیر ذوی‌العقول

به کار می‌برد:

تیره گلویم تا به لب گردیده از سوز درون هرخانه کاو پر دود شد سازد سیه‌دهلیز را

(غزل ۷/۳۶)

جهش ضمیر نیز از دیگر ویژگی‌های دستوری رساله کمال اظهري است:

ساقی به پیاله تا شرابم کردی از نرگس خود مست خرابم کردی

(رباعی ۱/۱۸۱)

کاربرد ضمیر متصل مفعولی به جای ضمیر منفصل در شعر اظهري فراوانی بسیاری دارد:

«وزین پس نخواهی گرم کامرانی» (قصیده ۵۷/۲۹) و ...

یکی از شگردهای پربسامد سبکی اظهري قیدسازی از راه تکرار واژه است: «زچه بر نکویی

خود تو جهان‌جهان ننازی» (غزل ۳/۲۶۴)؛ همچنین است: رفته‌رفته؛ قطره‌قطره؛ زمان‌زمان و ...

کاربرد اضافه بنوت از دیگر ویژگی‌های سبکی شعر اظهري به پیروی از پیشینیان است: «سر

خیل جهان علی‌عمران» (قصیده ۲۳/۴۲)؛ «دگر به منقبت شاه دین علی‌حسین» (قصیده ۶/۵۰)

اظهري از اصوات و شبه‌جمله‌ها به میزان بسیار استفاده می‌کند:

لوحش‌الله ز گل روی تو شعله حسن هست چون آتش سوزنده و گلزار خلیل

(قصیده ۴/۳)

همچنین است: معاذالله، حاشا، سبحان‌الله و ...

مانند شاعران سبک خراسانی حرف اضافه‌های مرکب «از بهر» و «از جهت» را به فراوانی به

کار می‌برد؛ در موارد بسیار «اندر» را به جای «در» و «ایا» را به جای حرف ندای «ای» به کار

می‌برد؛ حرف «مر» را قبل از فاعل و حتی قید می‌آورد:

مر هیبتت به خصم دلاور زند نهیب
 مر حشمتت به دهر توانگر دهد جواب
 (قصیده ۳۱/۲۵)

حرف «به» را در معانی «سببیه»: «به تازگی است رُخت مضطرب ز تاب نگاه» (قصیده ۳/۱۹)؛
 «برای»: «دنباله چشمت به جهانی کافی است» (رباعی ۲/۴۶۲)؛ «با»: «به هم چو اهل طرب گشته-
 اند همدستان» (قصیده ۸/۸۳) و ادات سوگند (با بسامد بسیار): «به سجده ملک و خاک طینت
 آدم» (قصیده ۲۵/۸۱) به کار می‌برد و به عنوان پیشوند صفت ساز با آن صفت‌های جدید می‌سازد:
 از پیچش زلف تو بتاب است تنت
 از فکر دهان تو بتنگ است دلت
 (رباعی ۱/۲۵۷)

حرف «با» را در معنای «به»: «با شانه بگو دست‌درازی نکند» (رباعی ۱/۴۱۱) و همچنین در
 مفهوم مقابله به کار می‌برد:

بر درگه خاص تو مه و مهر چو خشت
 با کعبه روی تو مساجد چو کشت
 (رباعی ۱/۴۸۸)

حرف «واو» را در مفهوم «مقابله»: «حُسن تو و حیات کسان، آتش و خس است» (غزل ۵/۱۰۹)؛
 «معیت»: «من و اندیشه زلف تو و بی‌سامانی» (قصیده ۱۰/۳۲)؛ «استبعاد»: «سبحان الله تو و تبسم»
 (قصیده ۲/۱۲) «و» «حالیه»: «من غرقه نیاز و تو مغرور ناز خویش» (غزل ۳/۳۸۴) به کار می‌برد.
 اظهاری بارها حرف «را» را در مفاهیم فک اضافه: «گرم کردم گهر یوسف خود را بازار»
 (قصیده ۷۲/۲۸) «و معشوق را چو غنچه گریبان شکافتیم» (غزل ۳/۴۸۰)؛ حرف اضافه
 «به»: «چشم را داده سواد رقمت سرمه ناز» (قصیده ۳۸/۳۵) و در مفهوم مالکیت: «هست گویی
 زاغ زلفین تو را فرّ عقاب» (قصیده ۷/۳۳) به کار برده است.

همچنین حرف «ی» را به عنوان حرف شرط به پایان افعال جملات شرطی می‌افزاید:
 می‌شدی معلوم هرکس تا چه بودی عزتش
 گر به قدر مهر کردی حرمتی احباب را
 (غزل ۲/۵)

و گاه به عنوان پسوند صفت ساز از آن استفاده می‌کند:

کمینه خدمتی خلد مجلسست، حورا
 کهبینه جرعه‌ده بزم عشرتت غلمان
 (قصیده ۱۷/۸۳)

«ی» در خدمتی فاعلی است و به معنای خدمتگزار؛ همچنین کشتنی: صفت لیاقت (غزل ۸/۲۵۶)

؛ کاری: صفت نسبی (غزل/۲۹۱/۴) و ...

ب. ویژگی‌های ادبی

خواندن یا شنیدن شعری زیبا، احساسی دلپذیر را در انسان برمی‌انگیزد، راز این تأثیر در ویژگی‌های ادبی نهفته در آن است که در دانش‌های عروض، بیان و بدیع بررسی می‌شود. به کمک دانش عروض، سخن آهنگین از سخن بدون وزن و آهنگ شناخته می‌شود که از دیدگاه علم صوت‌شناسی اهمیت بسیاری دارد (رک: تجلیل، ۱۳۸۴: ۵). فن بیان، شیوه بیان مفهوم واحد به روش‌های مختلف را در اثر بررسی می‌کند (رک: رجایی، ۱۳۹۲: ۱۴۷). با کمک فن بدیع، اموری را که موجب زیبایی و آرایش سخن ادبی می‌شود، می‌شناسیم (همایی، ۱۳۹۱: ۴۹) که امروزه از این ویژگی‌ها با تعبیر موسیقی بیرونی، موسیقی کناری و موسیقی درونی یاد می‌شود. (رک: شفيعی کدکنی، ۱۳۷۰: ۳۹-۳۹۳).

موسیقی بیرونی

منظور از موسیقی بیرونی شعر، همان وزن عروضی شعر است که مشروط به تناسب وزن با محتوا در فهم افزون بر جذب مخاطب در اثرگذاری آن نیز بسیار مؤثر است. اظهري در اشعار خویش از وزن‌های متنوع شعری فارسی به‌خوبی استفاده کرده و توانسته به‌خوبی از عهده آن برآید؛ البته باید اشاره کرد که وی در مواردی نه‌چندان زیاد به هدف حفظ وزن صحیح اشعارش از اختیارات زبانی رایج که در بخش سطح آوایی همین مقاله نیز به آنها اشاره‌هایی شده، بهره برده تا زیبایی اشعارش دوچندان شود.

طبق بررسی‌های انجام‌شده^۴ پرتکرارترین اوزان شعری اظهري در قالب‌های ذیل^۵ عبارت‌انداز:

قصیده	مضارع مثنی مکفوف مکشوف ۲۹ درصد	رمل مشکول ۲۱ درصد	مجتث مخبون ۱۶ درصد	خفیف مخبون ۸ درصد	سایر ۲۶ درصد
غزل	مضارع مثنی مکفوف مکشوف ۲۶ درصد	مجتث مخبون ۱۴ درصد	هزج سالم ۱۲ درصد	رمل مخبون ۱۱ درصد	۳۷ درصد
قطعه	مضارع مثنی مکفوف مکشوف ۲۴ درصد	رمل مشکول ۲۴ درصد	مجتث مخبون ۱۶ درصد	هزج اعراب ۸ درصد	۲۸ درصد
مثنوی	مقارب ۲۹ درصد	خفیف مخبون ۱۴ درصد	سریع مکشوف ۱۴ درصد	هزج ۴۳ درصد	-

ابیات ذیل به عنوان نمونه از بین پرکاربردترین بحرهای عروضی رساله کمال ذکر می‌شود:

مضارع مخبون:

کز سفله پروریش چنینم سیه گلیم

فریاد ازین زمانه دون پرور لثیم

(قصیده ۸)

خفیف مخبون:

شب به خوابم نمود روز وصال لیک هر شب صلح و باز جدال

(قصیده ۶)

رمل مشکول:

نشویم چون ز عشقت من و دل کباب با هم که نکرده‌ایم یک شب ز غم تو خواب با هم

(غزل ۴۳۰)

مقارب:

بیا ساقی از آن می لعل فام که دارد معطر خرد را مشام

(مثنوی ۱)

مجثت مخبون:

گرت به فتنه ایام چرخ رهبر شد به خون خلقی تیغ تو را لبی تر شد

(غزل ۲۰۰)

رمل مخبون:

شانه کی قدرت سرپنجه یک موی تو داشت خبری گر نه ز بی فکری گیسوی تو داشت

(غزل ۱۶۰)

هزج محذوف:

شدم روزی به بازار صفاهان شنیدم چندکس گفتند با هم

(قطعه ۱۶۳)

هزج اخرب:

هستم ز ازل شیفته چشم سیاهی افتاده به دام ستم نیم‌نگاهی

(غزل ۵۹۷)

سریع مطوی:

گاه از او طوطی جان در سخن گاه از او زلف بتان پر شکن

(مثنوی ۵)

موسیقی کناری

قافیه و ردیف ایجادکننده موسیقی کناری در شعر است. شاعر به کمک ردیف و قافیه مصراع-ها و ابیات شعر را از همدیگر جدا می‌کند و ضمن تقویت جنبه موسیقایی شعر، مفاهیم جدیدی را در ذهن خواننده خلق می‌کند و با استفاده از اشتراک لفظی ردیف، انسجام شعر خود را تقویت می‌کند.

قافیه

عنصر موسیقایی قافیه در دیوان اشعار اظهري که ۱۰۳۸۵ بیت دارد و قالب‌های قصیده، غزل، قطعه، مثنوی و رباعی را دربرمی‌گیرد، مهمترین عامل ایجاد موسیقی کناری است. اظهري از بیشتر حروف الفبا برای قافیه‌سازی استفاده کرده است.

در قصاید اظهري با حداقل ۱۸ و حداکثر ۱۲۲ بیت به تناسب موضوع از حروف مختلفی به عنوان حرف روی استفاده شده است که قافیه‌سازی با «ان» و «ار» بیشترین کاربرد و قافیه‌سازی با حروفی چون «س»، «ف» و «ج» کمترین کاربرد را به خود اختصاص داده‌اند. اظهري در قطعات، مثنوی‌ها و رباعیات خویش نیز به همان سبک و سیاق قصاید، تقریباً با اکثر حروف قافیه‌سازی کرده است؛ تاجایی که می‌توان گفت هنر قافیه‌پردازی اظهري در دیوان اشعار او کاملاً هویدا است:

در بزم بلا باده‌کش روز نخستم از خون جگر کام گرفته است ایامم
(غزل ۴۸۶ / ۵)

در دیده دل صد گهر ژاله شکستیم بر زخم جگر مرهم تبخاله شکستیم
(غزل ۴۵۴ / ۱)

زلف تو اگر همه طلای حرج است هندوی ستمکار ز ترک و خلیج است
(رباعی ۲۳۱ / ۱)

همچنین می‌توان به قافیه‌کردن واژه‌هایی مانند: برهمن و کفن / طاووس، فانوس و ناقوس / تازه، شیرازه و اندازه / قلمز و انجم / چراغ، راغ، زاغ / فتراک، افلاک و فرحناک / نگه، سپه و سیه / پیاله، لاله و پرگاله / آتش، ابرش، مهوش، زورین‌کش و پرکش / شط، بط، نقط و غلط / رهرو، دو، گرو و جو / خلف، علف، تلف، کلف و سلف / فراموش و آغوش / تاراج، امواج و محتاج / حک، خسک، محک، شک و ... اشاره کرد.

هرچند گاه کاستی‌هایی انگشت‌شمار از گونهٔ انحراف‌هایی اندک از قوانین قافیه دیده می‌شود (رک: شمیسا، ۱۳۸۳: ۱۰۷) که اصلاً قابل مقایسه با شاعران همعصر او نیست؛ از جمله:

تکرار قافیه: به شیوهٔ دیگر شاعران این دوران گاه اظهاری قافیه را در قصاید خود تکرار می‌کند:

چو نور شارق رخسار آن سمن‌سیما چو شعله پرتو رخسار آن ذکا تنویر
 علی‌عالی‌اعلی سروربخش سپهر که روز عرض ضمیرش ذکا برد تنویر
 (قصیدهٔ ۲۷/۱۶ و ۳۳)

اکفا مانند: قافیه‌کردن شک با رگ و سگ (رک: غزل ۴۶۷/۴، ۵ و ۶)؛ **شایگان** مانند: قافیه-کردن پاک‌دینان و بت‌پرستان (رک: قصیدهٔ ۴۲/۲۴ و ۲۵)، فرحناک و آتشناک (غزل ۱۴۲) شاعر خود دربارهٔ این نوع قافیه می‌گوید:

گر قافیه است متصل و منفصل حروف در شعر خوب قافیۀ شایگان نکوست
 (قطعه ۲۱۲/۱۰)

ایطای جلی مانند: قافیه‌کردن سوزان با جوشان (قصیدهٔ ۴۲/۴۵ و ۴۵)؛ **ایطای خفی** مانند: قافیه‌کردن روان با نگران (قصیدهٔ ۶۰/۵۰ و ۵۱)؛ **اقوا نظیر:** قافیه‌کردن منطق با عمق (قصیدهٔ ۳۴/۲۱ و ۳۵)

افزون بر این باید یادآوری کرد که اظهاری بعضی از ابتکارات و ظرایف قافیه از قبیل ردالقافیه و انواع جناس را نیز به‌کاربرده است.

ردالقافیه

به دور لاله فروهشته است سنبل را بهار عیش شکفته است غنچهٔ گل را
 شود ز پیچش هر موی مضطرب صد جان چو از غرور دهد پیچ و تاب سنبل را
 (غزل ۴۵/۲۱)

قافیۀ متجانس

به باغی که خارش ز مژگان حور ز حُسن گلش دیدهٔ غیر دور
 (مثنوی ۱۵/۱)

که کردند غارت بر این درخت کسانی که زین کاخ بستند رخت

(مثنوی ۸۶/۱)

ردیف

اظهري برای تقویت موسیقی کناری اشعار خود در تمام قالب‌های شعری خویش به‌فراوانی از ردیف استفاده کرده؛ به‌گونه‌ای که بعد از بررسی‌های انجام‌شده مشخص شد ۲۵ قصیده از ۸۵ قصیده اظهري، مردّف است و شاعر از انواع ردیف؛ اسمی (آتش: ۲۴، چرخ: ۲۶...)؛ فعلی (نماید: ۵۳، رسید: ۵۸...)؛ عبارت (کردروزگار: ۷۰)؛ حرف (را: ۴۸) و ... استفاده کرده‌است. انواع ردیف در غزل‌های اظهري نیز نمود خاصی یافته؛ چنانکه ۵۳۶ غزل او مردّف است و تنها ۹۱ غزل وی ردیف ندارد که تنوع این ردیف‌ها نیز قابل توجه است: فعل (انداز: ۳۵، آورده‌ام: ۴۳۲)؛ فعل مرکب (نهد سر: ۳۶۴)؛ ضمیر (کس: ۳۷۳، خویش: ۳۷۸، او: ۵۳۲)؛ قید (هنوز: ۳۵۹، امروز: ۳۶۳)؛ عبارت (نتوان داشتن: ۵۱۳، می‌توان کردن: ۵۱۸)؛ جمله (چه کند کس: ۳۷۳)؛ مضاف و مضاف‌الیه (آشيان خویش ۱/۳۷۷)؛ کاربرد ردیف‌های اسمی مختوم به بعضی حروف خاص مانند لذیذ (۳۳۹)، کاغذ (۳۴۰)، اخلاص (۳۹۳)، رقاص (۳۹۲) و ... سبب شده ردیف‌های اسمی در غزل‌های اظهري جلوه ویژه‌ای پیداکنند؛ همچنین اظهري در ۸۴ قطعه از ۲۱۵ قطعه خود، در ۳۶۳ رباعی از ۵۰۵ رباعی خویش و مثنوی‌های خود نیز از ردیف بسیار بهره برده‌است.

شماره	نوع قالب	تعداد	تعداد ردیف در هر قالب	درصد ردیف‌ها در هر قالب
۱	قصیده	۸۳	۲۵	۳۰
۲	غزل	۶۲۷	۵۳۶	۸۵
۳	قطعه	۲۱۵	۸۴	۳۹
۴	رباعی	۵۰۵	۳۶۳	۷۱
۵	مثنوی	۲۷۱ بیت	۷۲ بیت	۲۵.۸

موسیقی درونی

شاعر برای تقویت جنبه موسیقایی شعر و جذب بیشتر مخاطب و اثرگذاری بیشتر بر وی از انواع فنون بیان، بدیع لفظی و بدیع معنوی استفاده کرده، این امر گاه چنان هنرمندانه است که به تصویرآفرینی در شعر وی منجر می‌شود.

تصویرسازی

تصویرسازی به مجموعه تصرفات بیانی و مجازی از قبیل تشبیه، استعاره، اسناد مجازی، کنایه و... گفته می‌شود (ر.ک: شفیعی کدکنی، ۱۳۷۵: ۱۰). «مراد از تصویرسازی، این است که شاعر یا

نویسنده به قدری بر کلمات، فضا و معنا و ارتباط این سه با هم چیره و مسلط باشد که بتواند با روش‌های گوناگون کاربرد جملات و کلمات، تابلویی زیبا، نمایش یا فیلمی زنده در برابر دیدگان و ذهن خواننده تصویر کند» (محبتی، ۱۳۸۰: ۱۵۴). تصویرسازی را باید یکی از ویژگی‌های مهم شعر اظهري و ساخته ذهن خلاق او دانست. این کاربرد هنری زبان که از رهگذر تصرفات خیال در زبان شاعر به وجود آمده، در نوع خود تازگی‌هایی دارد:

دیده مادر ایام نبیند در بر
طفل اشکی که ز آغوش جگر می‌دزدم

(غزل ۳/۴۱۶)

تصویرسازی‌های شاعر بیشتر در توصیف‌های شعری وی که شامل وصف طبیعت به‌ویژه طلوع و غروب خورشید، معشوق و توصیف‌های حماسی است، مشاهده می‌شود:

دگر چو خسرو خاور به چشمه شمشیر
بشست دست خدیو حبش ز عمر قصیر
به نیم‌پرتو اقبال از تسلسل نور
نهاد سلسله بر گردن سپهر شیر

(قصیده ۲۷: ۱ و ۲)

زهگیر را به شست تو لب بوسه می‌دهد
از بهر آنکه نیست خطا در خدنگ تو

(غزل ۲/۵۴۰)

از آنچه گذشت آشکار شد که اظهري هرچند مانند همه شاعران روزگار خود، شاعری مقلد است؛ اما باید اذعان کرد که به‌خوبی از عهده تصویرسازی برآمده است.

کاربرد آرایه‌های ادبی گوناگون

اشعار این شاعر افزون بر ارزش تاریخی، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی، ارزش‌های ادبی ویژه‌ای نیز دارد. با اینکه شعر اظهري ساده و روان است؛ اما وی از کاربرد آرایه‌های ادبی غافل نبوده تا جایی که می‌توان گفت اکثر آرایه‌های لفظی و معنوی در دیوان او به چشم می‌خورد. در میان آرایه‌های ادبی، تشبیه و استعاره‌های نو، اغراق، حسن تعلیل، پارادوکس و جناس از بسامد بالایی برخوردارند.

تشبیه

تشبیه، یکی از پرکاربردترین ارکان بیانی در دیوان اظهري است. وی برای تبیین بیشتر مضامین شعر خود بویژه در تغزل‌های قصاید و غزل‌های خویش از فن تشبیه کمک می‌گیرد. اظهري در دیوان خود انواع مختلف تشبیه را با بسامد بالا به‌کار می‌برد؛ چنانکه می‌توان گفت

اظهري از انواع تشبیه بر حسب فراوانی، به ترتیب تشبیه‌های بلیغ، تفضیل و مضمّر، مجمل، صریح، مرکب، ملفوف، مشروط، تمثیل، حروفی، مفروق و تسویه را در رساله کمال خود به‌کار برده که در این میان تشبیه‌های بلیغ اضافی و غیر اضافی و تفضیل و مضمّر بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده‌اند و تشبیه‌های تسویه و مفروق کمترین فراوانی را دارند.

از آنجاکه فراوانی ابیات رساله کمال، تعدد و تنوع انواع تشبیه در شعر اظهري و کوتاهی مجال مانع از تفصیل این موضوع می‌شود؛ بنابراین در این مقال به ذکر چند مورد معدود از تشبیه‌های وی بسنده می‌شود:

از تشبیه‌های بلیغ اسنادی و اضافی اظهري که وجه شبه و ادات از تشبیه حذف شده است، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

آن قُمری‌ام که حسرت خال است دانه‌ام زلف بلند سروقدان، آشیانه‌ام
(غزل ۱/۴۹۹)

بر عروس معنی‌ام مدحت به کابین قبول در شبستان ضمیرم می‌نماید شوهری
(قصیده ۳۹/۴۶)

هست چون کعبه رخت را، حجرالاسودِ خال خانه حسن تو بر شکل حرم ساخته‌اند
(غزل ۳/۶۱۸)

همچنین عقرب زلف (غزل ۵/۱۷۱)؛ شمشیر مژگان (غزل ۱/۵۱۹)؛ عقاب زلف (غزل ۱/۶۱۱)؛ برق غم (رباعی ۱/۱۴۰)؛ درج دهان (رباعی ۱/۱۴۱)؛ ساغر عیش (مثنوی ۲۸/۱)؛ خُم نیلی چرخ (مثنوی ۲۳/۱) و ... (برای موارد بیشتر رک: بخش ترکیبات زیبا همین مقاله) از تشبیه‌های بلیغ اضافی اظهري هستند.

اظهري در موارد بسیاری نیز با ترجیح مشبه برمشبه‌به، تشبیه تفضیل آفریده و برای زیباترکردن این گونه تشبیه‌ها و هنرنمایی بیشتر، آن را با تشبیه مضمّر در آمیخته است:

هست برجیس به شخص سخنم در تعظیم هست در چشم عطارد هنرم را اعزاز
(قصیده ۳۳/۳۵)

زلف را برده غزال نفست نافه چین چشم را داده سواد رقمت سرمه ناز
(قصیده ۳۸/۳۵)

گاه اظهري با ذکر تمام ارکان تشبیه، تشبیه صریح را برای بیان مضمون مورد نظر خویش می‌آفریند:

نی بر رخ آن یار پسندیده من خال است سیه چو بخت شوریده من

(رباعی ۱/۹۶)

در موارد بسیاری با ایجاد مشابهت بین دو حالت تشبیه مرکب خلق می‌کند:

رمح تو در جگر خصم چه باشد به مثل همچو جراره کز او کس نشود جان‌بردار

(قصیده ۲۰/۵۱)

در موارد متعددی نیز مشبّه به تشبیه اظهري، تمثیلی است که اثرگذاری هنر شاعر را می‌افزاید:

غیر عاشق نیست خواهان هوای کوی دوست جز سمندر کس نداند قدر آتشیخانه را

(غزل ۴/۲۷)

و گاه همانندی را در گرو تحقق شرطی می‌داند و تشبیه مشروط می‌آورد:

ز هر خاری برآید آفتاب و مه به جای گل ز عکس عارضش گر پرتوی افتد گلستان را

(غزل ۲/۳)

از تشبیه‌های حروفی اظهري نیز می‌توان به بیت زیر اشاره کرد:

تا که در مصحف رخ خوبان دیده از صاد شد، دهن از میم

(قصیده ۲۲/۸۲)

در بیشتر موارد طرفین تشبیه در اشعار اظهري، معقول به محسوس هستند:

به بزم دهر حلی خواه عزت مردم چو قدر طاووس از حله و سراویل است

(قطعه ۴/۱۶)

هرچند در بعضی موارد هم اظهري با تشبیه‌های حسی به عقلی تصاویر زیبایی را خلق

کرده است:

قد تو قیامت، کمرت جسر صراط گیسوی تو سرگشته چو اهل محشر

(رباعی ۲/۴۴۱)

استعاره

در دیوان اظهري، گاه ادعای شباهت اوج گرفته و به همانندی و یکسانی رسیده است در

دیوان وی از هر دو نوع استعاره (مصرحه و مکنیه) استفاده شده است؛ البته استعاره مصرحه

بسامد بیشتری دارد:

به دوش سرو زلفش سر نهاده به نسربینش بنفشه بوسه داده

(غزل ۱/۵۶۵)

چون برگ بنفشه زان گلت سر بر زد چون سبزه از آن سرو بلند تو دمید

(رباعی ۲/۴۳)

استعاره مکنیه در دو گونه اضافی و غیراضافی آن هم از نوع شخصیت‌بخشی (آدم‌گونگی) در شعر اظهري به‌وفور دیده می‌شود؛ زیرا شخصیت‌بخشی که به شعر تازگی و پویایی می‌بخشد در شعر سبک هندی پیچیده‌تر و پربسامدتر شده است (رک: شفيعی کدکنی، ۱۳۶۶: ۶۲):

چو آخت تیغ سیاست ز جای کرد بدل سپهر، جوشن کحلی به جامه ارزق

(قصیده ۳/۲۱)

به کلک صنع که در هر بهار بنماید رخ گل و دهن غنچه، دیده عبهر

(قصیده ۴۴/۵۰)

همچنین است: دعاکردن عقل؛ عربده‌کردن چشم؛ رقص سرو و شمشاد؛ چشم چرخ؛ گلوی جان و

کنایه

کنایه یکی از پرکاربردترین صورت‌های خیالی موجود در رساله کمال‌الظهری است:

فریاد از این زمانه دون پرور لئیم کز سفله پرورش چینیم سیه گلیم

(قصیده ۱/۸)

کوتاهمت؛ خم آوردن رقاب؛ تسلیم‌شدن؛ پای‌دردامن‌کشیدن؛ آب‌شدن دل سنگ و

مجاز

اشعار:

در اقالیم بلاغت گاه فرمان‌گستری نیست احکام خرد بی‌زینت طغرای من

(قصیده ۲۳/۱۳)

همچنین خدنگ: تیر (قصیده ۳۱/۱۷)؛ صفرا: خشم (قصیده ۲۱/۱۳)؛ عبیر: بوی خوش (قصیده ۲۹/

۱۷)؛ بازو: قدرت (غزل ۵/۳۰۶)؛ شست: کمان (غزل ۵/۱۵۷) و

تضاد: همچنین اظهري از راه قرار دادن اضداد کنار همدیگر و کاربرد فراوان آرایه تضاد و

تقابل مخاطب را در درک مقصود خود یاری کرده است:

ز لطف و قهر تو پیدا شده حیات و ممات ز مهر و کین تو ظاهر شده است عاقل و گول
(قصیده ۳۴/۴۴)

پارادوکس نیز از آرایه‌های دارای بسامد بالا در شعر اظهري است که ضمن ایجاد رستاخیز در کلمات شعر و بزرگنمایی مقصود شاعر، اثرگذاری شعر را می‌افزاید:

باری فرست از پی جان سوختن مرا آبی کزوست آتش دوزخ در التهاب
(قطعه ۱۵/۸۹)

جمع و تفریق نیز از آرایه‌هایی است که اظهري بارها آن را به‌کار برده است:

آخر ز دو جا تیغ نهادند به خلق دنبال چشم و گوشه ابرویت
(رباعی ۲/۱۹۰)

جمع و تقسیم: در شعر اظهري کاربرد صنعت جمع و تقسیم نیز چشمگیر است:

در گلستان تو بر غنچه خندان نازم از خط سبز تو بر دسته ریحان نازم
آن یکی طره و این یک رخ تو می طلبد بر خیال دل و بر آرزوی جان نازم
(غزل ۱/۴۶۶ و ۲)

اغراق: توصیفی است که در آن افراط و تأکید باشد (رک: شمیسا، ۱۳۶۸: ۷۷). اظهري در شعر خویش و به‌خصوص در قصاید و غزلیات خود از آرایه اغراق بهره‌ وافر برده است:

ز نور شمع جمالش به شب لقای جنین توان مشاهده کرد از درون آبتن
(قصیده ۱۹/۵۲)

همان بر من فشاند از گریه ابری که از دریای چشمم آب برداشت
(غزل ۶/۸۲)

مراعات نظیر یا تناسب نیز در دیوان اظهري فراوانی بسیاری دارد:

نه آتشی و نه آب و نه خاک و نه باد شمس و قمری و زهره و مشتری‌ای
(رباعی ۲/۴۳۳)

حسامیزی که تعبیری حاصل از آمیزش دو حس به یکدیگر است (رک: شفیع کدکنی، ۱۳۷۰:

۲۲-۲۳). در رساله کمال بسامد قابل توجهی دارد:

حدیثم اظهري ار تلخ هست و گر شیرین درخت بادیه‌ام این چنین ثمر دارم

(غزل ۷/۴۲۲)

حسن تعلیل از آرایه‌های بسیار پرکاربرد به‌ویژه در غزلیات و قطعات اظهري است:

دو بود چون ز ازل شکل طاق ابرویت از آن دو قبله به اسلامیان میسر شد

(غزل ۲/۲۰۱)

همچنین قصاید ۹/۲۶، ۲/۳۶، ۶۸؛ غزل‌های ۲/۲۱۴، ۶/۴۴۱، ۷/۴۷۷، ۳/۵۱۱ و ...

تلمیح: اشاراتی ضمنی به گذشته‌های دور، اساطیر و داستان‌های معروف و زبانزد در شعر است. آوردن امثال و آیات و احادیث هم می‌تواند مضمول تعریف تلمیح گردد (ر.ک: فشارکی، ۱۳۷۹: ۱۴۴). در شعر اظهري آرایه تلمیح شامل اشاره به داستان‌های قرآنی (داستان‌های پیامبران) و آیات و روایات فراوانی قابل ملاحظه‌ای دارد؛ مانند:

ز لعل و خال تو کام دل خود اظهري گیرد ز تقسیم ازل هر مرغ آب و دانه‌ای دارد

(غزل ۱۰/۲۸۶) (تلمیح به انعام: ۱۵۱)

به کربلای فراق ز کام خشکی جان به بانگ العطش آب فرات می‌خواهم

(غزل ۵/۴۷۴)

اما باید اذعان کرد که در شعر اظهري بسامد تلمیح‌های ایرانی بسیار بیشتر از دیگر انواع تلمیح است که در این میان اشاره به عشاق ایرانی به‌ویژه داستان عشق‌ورزی‌های محمود و ایاز، خسرو و شیرین و لیلی و مجنون بیشترین فراوانی را در شعر اظهري دارند:

بلای جان حزین هزار محمود است تصرفی که بود خاصه نگاه ایاز

(غزل ۲/۳۶۶)

گاهی نیز تلمیح‌های شاعر به صورت اضافه‌های تلمیحی و اساطیری در شعر وی جلوه‌گر می‌شود؛ مانند: «مصر سخن، مصر جان، مریم طبع، عیسی نفس، فریدون عقل کل و...»؛ همچنین «همای طبع، قاف فلک، سیمرغ معنی و ...»:

نگردد چون به گرد طور معنی موسی طبعم که از برق تجلی پرتو شمع شجر دارد

(غزل ۲/۲۲۹)

ز نور روی تو تابد سعادت خورشید همای زلف تو را سایه همایون است

(غزل ۷/۱۰۴)

در بعضی موارد نیز اظهري برای اشاره به آیات قرآن و احادیث از شیوه اقتباس استفاده کرده است؛ مثلاً «منّ و سلوی»؛ «صدق»؛ «بل هم» و...:

بیرون خبر که برد ز عالم، چنین که زد در جیب چاک صاحب تشریف «أتما»

(قطعه ۱۰/۳)

همیشه که تا سائل وصل بی چون نیابد جوابی بجز «لن ترانی»

(قصیده ۸۳/۲۹)

تجاهل العارف نیز از آرایه‌های پرکاربرد در شعر اظهري است که در جذب مخاطب و اقناع

وی مؤثر است:

آب حیوان است یا آتش نمی‌دانم لبش این قدر دانم کزو جان در گداز آورده‌ام

(غزل ۴/۴۳۲)

ایهام: گونه‌های ایهام مانند ایهام‌های تضاد، تناسب، ترجمه و تبادر با بسامد بسیار در شعر اظهري دیده می‌شود که به زیبایی و اثرگذاری شعر وی افزوده است:

ایهام تضاد

معجز طرفه از آن سخت کمان می آید کج خدنگ مژده اش راست به جان می آید

(غزل ۱/۲۲۷)

ایهام تناسب

تا بر جبین کوهکن گرد ره گلگون نشست رنگی نداد از خرّمی عشرت رخ پرویز را

(غزل ۳/۳۶)

ایهام ترجمه

کمتر از حسن تو می آید به میزان قیاس آفتاب چرخ را با عارضت سنجیده‌ام

(غزل ۴/۴۶۲)

ایهام تبادر

گر رمد جان ز تن از چشم تو دزدم نظری همه افسون شوم و بر دل او کار کنم
(غزل ۴۶۲ / ۲)

بیماری چشم، رمیدن

در شعر اظهري مانند ديگر شاعران عصر صفوي، اسلوب معادله، ارسال المثل و تمثيل بسامد
بسیار دارند:

کی جان و دل به کوی تو اندیشم ز غیر سیاره را چه بیم ز شب‌گردی عسس
(غزل ۳۷۰ / ۶)

ز من آشفته‌تر شد اظهري هرگه فسون خواندم نصیحت کارگر هرگز نیفتد طبع بدخو را
(غزل ۴۹ / ۹)

فتاد در کف مژگان هر آنچه دل اندوخت همیشه مال توانگر نصیب خویشان است
(غزل ۱۱۲ / ۲)

لف و نشر را نیز می‌توان از آرایه‌های مورد علاقه اظهري دانست:

به هیچ بزم ز منعت نگشته آلوده به می صراحی و پیمانہ را گلو و دهن
(قصیده ۴۵ / ۱۹)

تکرار: افزون‌بر کاربرد فنون بیان و آرایه‌های بدیع معنوی، آرایه‌های لفظی نیز در شعر اظهري به‌فراوانی دیده می‌شوند. تکرار، یکی از آرایه‌های لفظی پربسامد اظهري است که در تأکید مقصود شاعر و ایجاد موسیقی کلام و جذب مخاطب بسیار مؤثر است. در شعر اظهري انواع تکرار واژه، اعم از تکرار تأکیدی، تکریر، تکرار صوتی، تکرار دستوری، تکرار عبارت، ردالصدر الی العجز، رد العجز علی الصدر و... (رک: شفيعی کدکنی، ۱۳۷۰: ۳۰۵) دیده می‌شود.
تکرار تأکیدی:

آشوب روزگار از آن می‌کشد به طول گیسو دراز و غمزه دراز است و قد دراز
(غزل ۳۶۵ / ۳)

تکرار مصوت:

نگاه و غمزه و چشم است و ابرو لب است و غبغب و خال و بناگوش

(قطعه ۲/۱۸۲)

رد الصدر الى العجز (تصدیر): یعنی کلمات اول و آخر بیت در لفظ و معنا یکسان باشد (فشارکی، ۱۳۷۹: ۴۷):

اختلاط اظهري با چون تو شاهی کی سزد تو درون خانه و او را به حجاب اختلاط
(غزل ۹/۳۹۶)

رد العجز على الصدر: کلمه آخر بیت در آغاز بیت بعد یعنی صدر آن تکرار شود. (شمیسا، ۱۳۶۸: ۵۹):

رنگ گردون شفق علت خون شکم است هست جاه تو چنان کز حسدش گردون را
بلکه از غصه جاه تو بزرگ از ورم است شکم چرخ نه از حوصله زین گونه بود
(قصیده ۲۱/۳۱ و ۲۲)

طرد و عکس یا تبدیل و عکس: در واقع تکرار کلمات همراه با تقدیم و تاخیر آنها در جمله است (رک: همایی، ۱۳۷۰: ۷۳).

چه افسون کرد چشم دلفریبت که هوش از عقل رفت و عقل از هوش
(غزل ۳/۳۸۱)

واج آرایبی: هم حروفی و هم صدایی یا هر دو (رک: شمیسا، ۱۳۶۸: ۵۷) در شعر اظهري فراوان است:

ناگهان از درم فراز آمد آن سمین ساعد و سمن رخسار
(قصیده ۴/۲۲)

جناس: گونه های متنوع آرایه جناس که ناشی از تشابه صوتی الفاظ است و می تواند موجب تداعی معانی شود (رک: تجلیل، ۱۳۸۴: ۷) در دیوان اظهري به فراوانی دیده می شود: جناس تام:

روز و شب رو به خاک در گه تو کرده گردون ز کرده استغفار
(قصیده ۳۴/۳۷)

جناس زائد:

چون قامت تو یاد قیامت ندهد از روی تو آفتاب سوزان دارد
(رباعی ۲/۴۳۹)

جناس مضارع و لاحق (جهان و نهان؛ خشم و خصم)؛ جناس ناقص (گل و گِل)؛ جناس خط (نشر و بستر، چنگ و جنگ) از دیگر گونه‌های جناس هستند که در شعر اظهري پربسامد هستند.

۳۷۷ اشتقاق هم که به معنای کاربرد واژه‌هایی از یک ریشه لغوی است (رک: همایی، ۱۳۷۰: ۶۱). در شعر اظهري به فراوانی دیده می‌شود، از جمله: ناز و نازنین، حرص و حریص، خزاین و مخزن و ...

ج. ویژگی‌های فکری

بررسی بخش فکری در سبک‌شناسی، اهمیت بسیاری دارد چون انعکاس‌دهنده جهان‌بینی و تفکر شاعر است. در این بخش اندیشه‌ها و زاویه دید شاعر به روشنی بررسی و تبیین می‌شود و همچنین جایگاه هنرمند در مسیر تاریخ ادبیات یک ملت مشخص می‌شود. با مطالعه اشعار اظهري می‌توان بر افکار، احساسات، جهان‌بینی و پس‌زمینه فکری وی پی برد؛ از جمله:

حمد و ستایش خداوند

اظهري در اکثر قصاید خود به حمد و ستایش خداوند پرداخته، وی در این قصاید با اشاره به الطاف الهی و توسل به ائمه اطهار (ع) پیوسته آموزش و عنایت الهی را تقاضا می‌کند:

ای عاجز از حدیث تو طبع سخن سرا ای مانده در گره ز تو عقل گره‌گشا

(قصیده ۱: ۱)

ای زیور رخساره جان از کرمت سرمایه گردش زبان از کرمت

(رباعی ۱)

منقبت پیامبر (ص) و ائمه اطهار علیهم السلام و افتخار به آن

اظهري در سراسر دیوان خود به منقبت‌سرایی و تبیین خلوص قلبی خود به پیامبر اکرم (ص) و امیرمؤمنان (ع) و فرزندان وی پرداخته تا جایی که ۵۱ قصیده از ۸۳ قصیده دیوان وی به این موضوع اختصاص یافته و در قصیده‌ای به نام «جامع المناقب» اسامی دوازده امام (ع) را ذکر و به آن حضرات اظهار ارادت کرده و متوسل شده است:

شهریارا چون ببندم لب که در اوصاف تو هرچه ریزد از دم کلکم بود زیب کتاب

(قصیده ۳۵/۳۳)

با اینکه اظهري بیشتر قصایدش را در مدح پیامبر (ص) و خاندان او سروده؛ ولی همواره به ناتوانی در مدح ایشان اذعان کرده است:

من کجا حمد و ثنای او کجا خواهم همین ز آب لطف خویش شوید نامه‌ام روز حساب
(قصیده ۴۰/۳۳)

شکایت از دنیا و ناپایداری آن

اظهري در بعضی از اشعار خود از بی‌وفایی و ناپایداری دنیا شکایت می‌کند؛ چنانکه موضوع قصاید ۲۹، ۶۸، ۷۱ و ۷۳ اظهري شکوه از دنیا و بی‌ارزشی آن است:

در دهر سعادت‌ی نداد اختر ما از آتش غصه سوخت جان در بر ما
هر زهر غمی که بود در شیشه چرخ ساقی زمانه ریخت در ساغر ما
(رباعی ۷۷)

مناعت طبع

نبردم تحفه نزدیک کس اشعار نیفکندم متاع خود به گلخن
(قصیده ۳۶/۷۲)

شکر لله که نکوبم در هر کس به طمع خاطر م فارغ از اندیشه لا و نعم است
(قصیده ۲۹/۳۱)

شکایت از بی‌اعتباری دانش و بی‌توجهی اهل روزگار به کمالات

یک گهرسنج معانی نیست در این روزگار تا بیان سازم به او طرز معانی‌پروری
نزد این ناهوشمندان مشت سیمی خوشتر است از کمال بوعلی سینا و طبع اظهري
(قطعه ۲۰۰)

اندیشه‌های رایج در مکتب وقوع و واسوخت

عشق و توصیف معشوق، مضمون اصلی غزلیات و رباعیات اظهري را تشکیل می‌دهد. عشق مطرح در اشعار اظهري از نوع عشق مجازی است که چون دیگر معاصران او گاه رنگ وقوع-گویی و واسوخت‌سرایی به خود گرفته است:

در حُسن، امین اگرچه زیبا پسری است فردوس ز گلزار جمالش اثری است
(رباعی ۱۰۴)

صد حیف که مانند عروس دوران
هر لحظه در آغوشی و هر دم به بری است
دلاک پسر قدت بود شاخ نبات
جسم تو زند موج چو آب از حرکات
ای کاش کند قصد سر ما هر دم
تیغت که بود در دم او آب حیات

(رباعی ۱/۴۹۹)

بزم اندیشی و دم‌غنیمت‌شماری

توصیف شراب و مجالس بزم در رباعیات و قطعات اظهري قابل ملاحظه است؛ همچنین ساقی‌نامه‌ای هم در قالب مثنوی و وزن معروف آن سروده است:

ساقی به پیاله تا شرابم کردی
از نرگس خود مست و خرابم کردی

(رباعی ۱/۱۸۱)

بیا ساقی از آن می لعل فام
که دارد معطر خرد را مشام...

(مثنوی ۳۴/۱ و ۳۵)

اعتقاد به نقش حج در استواری ایمان و هدایت

آرزوی دیدار کعبه از مضامین رایج در رباعیات اظهري است، شاعر بارها آرزوی این سفر را در شعر خود مطرح کرده و حج را در ثبات ایمان و خداجویی مؤثر دانسته که این موضوع خود نشان‌دهنده سیر تحول روحی شاعر است:

در راه یقین به فرق پویان بروم
بر سوی حجاز کعبه‌گویان بروم

چندی به ره صنم پرستان رفتم
زین پس ز پی خدای جویان بروم

(رباعی ۱۲۷)

از سستی خود ندارم ایمان درست
کامل به طواف کعبه ایمانم کن

(رباعی ۱۳۰)

نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت مشخص شد اظهري شیرازی، شاعر قرن دهم و یازدهم که بیشتر زوایای زندگی بر ما پوشیده است، دیوان اشعاری با بیش از ده هزار بیت دارد که خود آن را رساله

کمال نامیده است، دیوان وی شامل؛ قصاید، غزلیات، قطعات، مثنوی و رباعیات است و دو مقدمهٔ مثنوی آهنگین در آغاز دیوان و آغاز بخش غزلیات و خاتمه‌ای مسجع و مثنوی هم در پایان رباعیات دارد. قصاید وی در نعت و منقبت چهارده معصوم (ع)، مدح شاه‌عباس و شاه صفی و بزرگان دربار صفوی سروده شده؛ وحدت موضوع و رعایت تقدم و تأخر مطالب در قصاید اظهري از یک سو یادآور منظومه‌های فارسی است و از سوی دیگر یادآور سنت تحمیدیه‌سرایي است. در غزلیات اظهري دنیایی از شور و مستی و عشق و هیجان به تصویر کشیده می‌شود و خواننده با عواطف و احساسات او آشنا می‌شود؛ در قطعات اظهري، برشی از زندگی شاعر پیش چشم خواننده مجسم می‌شود و در رباعیات وی افزون‌بر اندیشه‌ها و باورهای شاعر، نمودهای عشق زمینی و هزل‌پردازی وی نیز هویدا است.

شاعر در کل دیوان خود زبان کهن را استفاده کرده و در تمام سطوح لغوی و دستوری، کهن‌گرایی وی کاملاً آشکار است. کاربرد حروف، کلمات و افعال کهن و حتی رعایت قواعد دستور زبان گذشتگان با بسامد بالا نشان دهندهٔ پیروی وی از ویژگی‌های زبانی سبک خراسانی است که حتی شاعر گاهی پا را از آن هم عقب‌تر نهاده و در بعضی موارد نشانه‌های سبک سامانی را نیز در شعر خود به کار گرفته است.

اظهري از نظر فنون بیان بیشتر به کاربرد تشبیه و استعاره گرایش دارد و تصاویر بسیار زیبایی از این دو آرایه در شعر وی نمودار شده که شعر وی را چشمگیر کرده است. تشبیه‌های بلیغ بخصوص از نوع اضافی، تشبیه تفضیل و مضمیر و استعاره‌های مکنیهٔ اضافی به‌ویژه از گونهٔ شخصیت‌بخشی در شعر اظهري بسامد قابل توجهی دارند؛ درحالی‌که شاعر به کاربرد مجاز گرایش چندانی ندارد.

تناسب، تضاد، تلمیح، حُسن تعلیل و پارادوکس آرایه‌های بدیعی هستند که بالاترین بسامد را در شعر اظهري به خود اختصاص داده‌اند.

اظهري به‌خوبی از عهدهٔ وزن عروضی اشعارش برآمده هرچند از اختیارات شاعری به‌ویژه از نوع زبانی نیز گاه‌گاه استفاده کرده و با چشم‌پوشی از بعضی موارد اندک در موسیقی کناری شعر نیز همچون موسیقی بیرونی موفق بوده است.

شاعر از نظر فکری، مضامینی چون حمد و ستایش خدا و نعت معصومین (ع) همراه با اظهار عجز در این امر و مباحثات به آن، اعتقاد به ولایت امیرالمومنین (ع) برای تحقق اصل تولی را مدّ

نظر دارد، بی‌ارزشی دنیا و مناعت طبع از دیگر پس‌زمینه‌های ذهنی شاعر است که بسیار به آن پرداخته؛ توصیف عشق و معشوق، هزل، هجو نیز از مضامینی است که شاعر به آنها توجه بسیاری داشته است. در بخش مدح شاهان و بزرگان هیچ‌گاه از مرز انسانیت و عزت نفس قدمی فراتر نهاده و از ممدوح خواهش و تمنایی نکرده و حتی بارها اذعان داشته که ارزش او و شعرش بالاتر از آن است که برای دنیا و خواسته‌های دنیوی به‌کار گرفته شود.

تمام این نکات نشان‌دهنده جایگاه اظهري شیرازی در بین شاعران فارسی‌سرا و بیانگر آن است که هرچند اظهري شاعری پیرو است؛ اما شاعر با ساختن ترکیبات بدیع و استفاده به‌جا از آرایه‌های ادبی و به‌کارگیری زبانی استوار، از بسیاری از هم‌روزگاران خود پیشی گرفته؛ چنانکه گرفتار پیچیدگی‌های محتوایی و هنری شعر سبک عصر صفوی نشده و با به‌کارگیری زبان سخته و سنجیده، شعر خود را از آسیب‌های زبان کوچه و بازار حفظ کرده، تاجایی که می‌توان گفت اظهري از شاعران شایسته فارسی‌سراست که واژه‌ها و ترکیبات شعری او، نشان‌دهنده تعلق خاطر وی به سبک پیشینیان به‌ویژه سبک خراسانی است و از نظر ویژگی‌های ادبی و کاربرد آرایه‌های بدیعی بیشتر، شیوه شاعران سبک عراقی را به ذهن متبادر می‌کند.

پی‌نوشت

۱. یکی از نواحی جغرافیایی بیگلربیگی قراباغ در عهد صفویان (ر.ک: میرزاسمیعا، ۱۳۶۸: ۷۸).
۲. پیچی ئیل واژه ترکی به معنای سال میمون و نهمین سال از سال‌های دوازده‌گانه است. (ر.ک: معین، ۱۳۹۱: ذیل واژه).
۳. قلعه بست میراث بزرگ فرهنگی در شهر لشگرگاه افغانستان است که در قرن ۱۱ ساخته شده است؛ ... (ر.ک: دهخدا، ۱۳۵۹: ذیل واژه).
۴. به‌سبب تعدد اشعار شاعر امکان ذکر تمام اوزان شعری وی در مقاله وجود ندارد.
۵. چون رباعی در وزن مشهور و مخصوص آن سروده می‌شود، وزن رباعی‌ها نوشته نشد.

منابع

کتاب‌ها

آقابزرگ تهرانی، محمد محسن (۱۴۰۳ق.). **الذریعه الی تصانیف الشیعه**، جلد ۹، مشهد: آستان قدس رضوی.

اظهري شیرازی، بوداق (بی‌تا) **دیوان اشعار**، نسخه خطی شماره ۳۷۷، کتابخانه مدرسه عالی شهید مطهری (سپهسالار).

تجلیل، جلیل (۱۳۸۴) عروض و قافیه، تهران: آوای نور.
دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۶۳) امثال و حکم، تهران: امیرکبیر.
رجایی، محمد خلیل (۱۳۹۲) معالم البلاغه در علم معانی، بیان و بدیع، شیراز: دانشگاه شیراز.

شفیعی کدکنی، محمد رضا (۱۳۶۶) شاعر آینه‌ها، تهران: آگاه.
شفیعی کدکنی، محمد رضا (۱۳۷۰) موسیقی شعر، تهران: آگاه.
شفیعی کدکنی، محمد رضا (۱۳۷۱) ادبیات فارسی از عصر جامی تا روزگار ما، تهران: نی.
شفیعی کدکنی، محمد رضا (۱۳۷۵) صورخیال در شعر فارسی، تهران: آگاه.
شمیسا، سیروس (۱۳۸۳) آشنایی با عروض و قافیه، تهران: میترا.
شمیسا، سیروس (۱۳۷۲) کلیات سبک شناسی، تهران: فردوس.
شمیسا، سیروس (۱۳۶۸) نگاهی تازه به بدیع، تهران: فردوس.
غلامرضایی، محمد (۱۳۷۷) سبک شناسی شعر پارسی، تهران: جامی.
فشارکی، محمد (۱۳۷۹) نقد بدیع، تهران: سمت.
محبوب، محمد جعفر (۱۳۷۵) سبک خراسانی در شعر فارسی، تهران: فردوس.
محبتی، مهدی (۱۳۸۰) بدیع نو، تهران: سخن.
معین، محمد (۱۳۹۱) فرهنگ لغت، چاپ ۲۷، تهران: امیرکبیر.
میرزاسمیعا، محمدسمیع (۱۳۶۸) تذکره الملوک، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران: امیرکبیر.
نصرآبادی، محمدطاهر (۱۳۷۸) تذکره، مقدمه و تصحیح محسن ناجی نصرآبادی، تهران: اساطیر.

همایی، جلال‌الدین (۱۳۷۰ و ۱۳۹۱) فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران: هما.

مقالات

خجسته، مژگان و کرمی، محمدحسین. (۱۳۹۹). تاروپود تازگی (شگردهای هنری صائب در خلق تعابیر تازه با تأکید بر صور خیال در جلد اول دیوان). فصلنامه علمی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)، ۱۲(۴۶)، ۲۰۹-۲۳۶. doi: 10.30495/dk.2020.679780

یزدان‌پناه، فیروزه و نیری، محمدیوسف. (۱۳۹۹). *درنگی بر مهمترین خصیصه‌های سبکی غزلیات فیض کاشانی. فصلنامه علمی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)*، ۱۲(۴۵)، ۱۳-۴۰. doi: 10.30495/dk.2020.678934

۳۰۳

References

Books

- Aghabzorg Tehrani, Mohammad Mohsen (1403 AH) **Al-Dari'ah al-Tasanif al-Shi'ah**, Volume 9, Mashhad: Astan Quds Razavi.
- Azhari Shirazi, Budagh (No date) **Poetry Divan**, Calligraphy No. 377, Shahid Motahari High School Library (Sepahsalar).
- Dehkhoda, Ali Akbar (1985) **Proverbs and Rulings**, Tehran: Amirkabir.
- Fesharaki, Mohammad (2001) **Critical novel**, Tehran: Samat.
- Gholamrezaei, Mohammad (1998) **Stylistics of Persian poetry**, Tehran: Jami.
- Homayi, Jalaluddin (1991 and 2012) **Rhetoric Techniques and Literary Crafts**, Tehran: Homa.
- Mahjoub, Mohammad Jafar (1997) **Khorasani style in Persian poetry**, Tehran: Ferdows.
- Mirza Samaia, Mohammad Samii (1990) **Tazkar al-Muluk**, by Mohammad Dabirsiyaghi, Tehran: Amirkabir.
- Moein, Mohammad (2012) **Dictionary**, 27th edition, Tehran: Amirkabir.
- Mohabbaty, Mehdi (2001) **Badie No**, Tehran: Sokhan.
- Nasrabadi, Mohammad Taher (2000) **Note**, introduction and correction by Mohsen Naji Nasrabadi, Tehran: Myths
- Rajaei, Mohammad Khalil (2013) **Teachers of rhetoric in semantics**, expression and innovation, Shiraz: Shiraz University.
- Shafiee Kadkani, Mohammad Reza (1987) **The Poet of the Mirrors**, Tehran: Agah.
- Shafiee Kadkani, Mohammad Reza (1991) **Poetry Music**, Tehran: Agah.
- Shafiee Kadkani, Mohammad Reza (1992) **Persian literature from the Jami era to our time**, Tehran: Ney.
- Shafiee Kadkani, Mohammad Reza (1997) **Surkhial in Persian Poetry**, Tehran: Agah.
- Shamisa, Sirius (1989) **A New Look at Badie**, Tehran: Ferdows.
- Shimisa, Sirius (1994) **Generalities of Stylistics**, Tehran: Ferdows.
- Shimisa, Sirius (2004) **Introduction to Prose and Rhyme**, Tehran: Mitra.
- Tajil, Jalil (2005) **Prose and Rhyme**, Tehran: Avaye Noor.

Articles

- Khojasteh, Mojgan and Karami, Mohammad Hossein. (2021). **Taropod Tazegi (Saeb's artistic tricks in creating new interpretations with emphasis on images in the first volume of the Divan)**. *Scientific Quarterly of Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts (Dehkhoda)*, 12 (46), 209-236. Doi: 10.30495 / dk.2020.679780
- Yazdanpanah, Firoozeh and Nayeri, Mohammad Yusuf. (2021). **Delay on the most important stylistic features of Feyz Kashani's lyric poems**. *Scientific*

Quarterly of Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts
(Dehkhoda), 12 (45), 13-40. Doi: 10.30495 / dk.2020.678934



Scientific Quarterly of Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts
(Dehkhoda)

Volume 14, Number 51, Spring 2022, pp. 372-405

Date of receipt: 2/5/2021, Date of acceptance: 26/8/2021

(Research Article)

DOI: [10.30495/dk.2021.1929786.2258](https://doi.org/10.30495/dk.2021.1929786.2258)

The Stylistic study of the poems of Azhari Shirazi's Resaleh- ye Kamal (Treatise of maturity)

Fariba Chini¹, Dr. Fatemeh Sadat Taheri², Dr. Abdolreza Modarreszadeh³

Abstract

The present article studies the style of poems of Budagh Azhari Shirazi (B. 991 AH), who is known as the author of the treatise of Kamal, has about eleven thousand verses; but it has not been published yet. Our knowledge of him is limited to what can be deduced from his poems. The author with a descriptive-analytical approach tries to answer these questions: which of the poetic styles does Azhari followed in his poems and what are the characteristics of his poems in three levels of language, literature and thought? She tries to prove that the poet tends to Khorasani poetry in linguistic features, and the literary aspects of his poems reflect the poetic features of the Iraqi style. Azhari has paid special attention to Khaghani and Anvari poems. Praise and eulogy, virtual love and sometimes Voqugi and Vasukhti, description of the Ill vv,,, lmm,,, ,, tire, add gggii mmimh rre tee mii n tmmis ff Azrr i's oott-y. The use of ancient words, the ancient form words, Arabic words and phrases, composition, ancient grammatical rules, the use of compound simile, preferential simile, implicit simile and implicit metaphors, that more of them are personification, and imagery, allusion, phantastic etiology, oxymoron, congerise and palilogy are some of the remarkable features of his style, thus the author that rrr rctdd tee Azrr i's oolctinn of mmmtri-s to xxll ain the stylistic fett urss ff his poet and help to know his impression in Persian poetry for the first time.

Keywords: Stylistic Study; Linguistic, Literary and Intellectual Features; Azhari-e Shirazi; Resale- ye Kamal (Treatise of Maturity).

¹ . PhD Student, Department of Persian Language and Literature, Kashan Branch, Islamic Azad University, Kashan, Iran. Walru-s@yahoo.com

² . Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Kashan University, Kashan, Iran. (Corresponding author) taheri@kashanu.ac.ir

³ . Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Kashan Branch, Islamic Azad University, Kashan, Iran. drmodareszade@yahoo.com

